

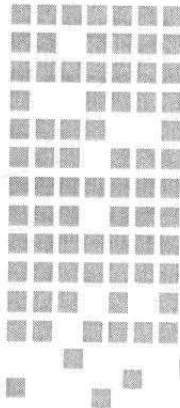


به نام خدا



نویسنده: احمد لاجوردی

انتشارات نسل روشن



سرشناسه: لاجوردی، احمد
 عنوان و نام پدیدآور: باران / نویسنده احمد لاجوردی .
 مشخصات نشر: تهران: نسل روشن، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۳۴۲ ص. ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۷-۰۱۲-۸
 وجهیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: داستان های فارسی -- قرن ۱۴
 مه نام: Persian fiction -- ۲۰th century
 رده بندی کنگره: PIR۸۱۹۳
 رده بندی دیویی: ۸۶۳/۰۸
 ره کتابت سی ملی: ۵۸۲۳۹۱۹

نام کتاب: باران
 ناشر: نسل روشن
 نویسنده: احمد لاجوردی
 طراحی جلد و صفحه آرایي: علیرضا زمانی
 چاپخانه صحافی: نسل روشن
 قطع: رقعی
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹
 شمارگان: ۵۰۰ جلد
 قیمت: ۶۵۰,۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۷-۰۱۲-۸

تمامی مسئولیت ها و حقوق مادی این اثر متعلق به نویسنده می باشد.

هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و برداشت تمام یا قسمتی از اثر را به صورت چاپ، فتوکپی و... را ندارد و متغلفین به موجب بنده از ماده ۲ قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.



قصه‌ها برای گفتن است و شنیدن و نوشتن و می‌ماند برخی‌ها در ذهن. هنگامیکه معلم ریاضیات سال اول دبیرستان که متأسفانه به طور عجیبی نامش را در ذهنم پاک شده ابتدای بینوایان هوگورا با آب و تاب و به طرز چشمگیری گیرا تعریف کرد و برای یک سکه دیدیم که چه بلاها بر سر زان والژان نازل شد. راقمند به کتاب خوانی شدم.

کتاب بسیار قطور، کاغذ و سنگین بینوایان را از کتابخانه دبیرستان هشترودی خرمشهر قرض گرفتم و بدوستانها، صریحاً، ۱۳-۱۴ سالگی به سختی تا منزل رساندم و سه روزه بدون رفتن به مدرسه تماشا کردم. هرگز تصور نمی‌کردم که روزی دست به قلم شوم. خواندن کتاب بعد از آن سرگرمی من بود و هر هفته کیهان بچه‌ها، تهران مصور کوچولوها و چند مجله دیگر همدم بازی‌های هفت سنگ، آزاد بازی، گلوله بازی (تیله بازی) اسطیتو (کبدی فعلی) و سایر سرگرمی‌های آن دوران بود و بعدها از سال چهارم دبیرستان نوشتن را در نیاوران آغاز کردم، زمانی که اکثر آثار ادبیات جهان را تقریباً خورده بودم و این نوشتن تا کنون با وقفه‌های کوتاه و بلند ادامه داشته است. مصرانه خواهانم که هرگز از مطالعه دست برندارید.

با تشکر از دکتر سهیل ادیب مقدم به خاطر راهنمایی‌های مشفقانه، دکتر سید عبدالله میر صالحی روانپزشک

مرحوم سعید

آقای سارانی عزیز

برادرم، مرتضی عزیز که در سفر سیستان و بلوچستان برای آشنایی با محیط و اوضاع

منطقه با تبریک سعید مرحوم چند روزی همراهیم کرد.

و یادی از کوروش عزیزم که جایش همیشه در کنار ما خالی ست و اغلب ویرایش کتابهایم را انجام می‌داد.

۹	فصل اول / ساحره
۲۵	فصل دوم / حادثه
۳۵	فصل سوم / تهوع
۴۱	فصل چهارم / آرامش
۵۹	فصل پنجم / خواب
۶۵	فصل ششم / خانم‌راد
۷۳	فصل هفتم / آشنایی
۷۷	فصل هشتم / عید
۹۱	فصل نهم / غم
۱۱۱	فصل دهم / نام‌ریت
۱۲۵	فصل یازدهم / سرک
۱۳۳	فصل دوازدهم / ران
۱۴۷	فصل سیزدهم / چرخ
۱۵۷	فصل چهاردهم / شک
۱۶۷	فصل پانزدهم / مروجان
۱۷۹	فصل شانزدهم / سفر
۱۸۷	فصل هفدهم / کلاف
۱۹۱	فصل هجدهم / اسارت
۲۰۱	فصل نوزدهم / تأخیر
۲۱۹	فصل بیستم / چنندش
۲۳۵	فصل بیست و یکم / در مسیر
۲۴۷	فصل بیست و دوم / هابیل و قابیل
۲۵۵	فصل بیست و سوم / نقشه
۲۸۳	فصل بیست و چهارم / دلتا
۲۹۷	فصل بیست و پنجم / فرار در فرار
۳۱۳	فصل بیست و ششم / خائن
۳۲۷	فصل بیست و هفتم / تعقیب
۳۳۷	فصل بیست و هشتم / زباله دانی